



پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا

جائگہ پروردگار اور پروردگار کے واپس کر دینا

پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا

پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا

پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا

پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا



پیشہ ورانہ تعلیم اور تحقیق کے ذریعے
 معاشرے کو بہتر بنانے اور
 تعلیمی اور تحقیقی شعبوں میں
 نئی نئی بات چیت کو فروغ دینا

سبحان الله

موضوع فرهنگ عامه ذاتا یک موضوع شیرین و دل انگیز است آمیخته با فرهنگ ماست و سرشار از آموختنی هاست در کنار شیرینی ذاتی که دارد نکته های بسیار آموزنده در طول تاریخ به ما منتقل کرده است. در گذشته رسانه هایی که در امروز است وجود نداشت و هر چه که بود فرهنگ شفاهی بود و در واقع پدران به پسران و پسران به فرزندان خود این گنجینه را منتقل می کردند. در گذشته مردم اوقات خود را با این فرهنگ می گذراندند و در طول شب و روز با نقل افسانه ها و داستان های کهن روزهای خود را به شیرینی سپری می کرده اند و گفتگوهای روزمره خود از کنایه ها و ضرب المثل ها بسیار استفاده می کردند و اینقدر این کاربردها با ظرافت بود که باعث آزار هیچ کس نمی شد. متأسفانه امروزه کاربرد این فرهنگ با وجود رسانه های جانبی بسیار کم رنگ شده و لازم است مجددا در آموزش و پرورش به شکلی، در صدا و سیما به شکلی و در دانشگاه ها به شکلی و در بحث مدیریت شهری و گردشگری به شکلی دیگر به این مهم پرداخته شود. برنامه ریزان شهری ما باید این گنجینه گران قیمت را که بخش مهمی از هویت دینی و مذهبی و ملی ما است را مجددا زنده کنند. از این طریق ما می توانیم زمینه جذب گردشگر را نیز برای شهر بزرگ اصفهان فراهم بکنیم.

فرهنگ عامه دو بخش مجزا دارد یکی بخش مادی و یکی بخش معنوی و هر کدام از این دو بخش خود دنیایی بزرگ به شمار می آیند و هریک قابلیت مطالعه، تفحص، بررسی و به روز سازی را دارد برای مثال باورهای عامه که به آنها خرافات نیز گفته می شود قابلیت بررسی و به روز رسانی دارد و اگر این باورها را مورد مطالعه قرار بدهیم میبینیم که می تواند از جهات مختلف آموزنده باشد.

ابزارها که نشان می دهد در زندگی مردم چه وسایلی بوده که ما امروزه با آنها هیچ آشنایی نداریم و یا اصلا وجود ندارند اما این ابزارها اثر خود را در ضرب المثل ها کنایات و فرهنگ ما حفظ کرده اند اما خود اثر نیست دیگر برای مثال بعضی از دانشجویان ما حتی کوزه را نمی شناسند. مسکن، بناها و معماری برای مثال کبوترخانه های اصفهان که هنوز پابرجا هستند و این کبوترخانه ها بخشی از معماری شهری بوده و متأسفانه نسل امروز کاربرد آنها را نمی دانند و یا عصارخانه هایی که دنیایی از فرهنگ را در پس زمینه خود دارند و آن متل معروف که اسب

عصاری می‌کرد و کودک ما باید بداند که عصاری به چه معناست.

و اما مشاغل و پیشه‌ها که هر کدام از این‌ها یک فرهنگ را به دنبال خود دارند و استاد دکتر محمد جعفر محجوب در کتاب ادبیات عامیانه ایران راجع به ناوایی و نان سنگگ می‌فرماید قریب به هفتاد اصطلاح واژه در این زمینه وجود دارد و این اصطلاحات در طول زمان از بین می‌رود.

در پوشاک اگر کسی روی مقوله پوشاک تحقیق کند و تنها به بررسی کلاه بپردازیم و به بررسی انواع کلاه متریال ساخت کلاه علت پوشیدن کلاه و هزاران مساله دیگر وجود دارد که ما می‌توانیم آن‌ها را مورد بررسی و تفحص قرار بدهیم.

عناصر معنوی شامل آداب و رسوم برای مثال سفره‌های نذری که ما انواع سفره‌های نذری را در فرهنگ خود داریم و نه تنها ما که این سفره‌های نذری در بین زرتشتیان نیز بسیار رواج دارد و هر کدام از این سفره‌ها آداب و ادبیاتی داشته‌اند و شعرهایی منحصر به خود داشته‌اند و هر غذایی برای هر سفره‌ای خوب نبود و هر سفره‌غذای مخصوص خود را داشته‌است.

آیین‌ها که خود شامل آیین‌های ملی و آیین‌های مذهبی می‌شوند، جشن‌های ایرانی که هر کدام به دنبال خود داستانی دارد برای مثال ۴شنبه سوری که آدابی دارد و ضرب‌المثل کوزه اش سر ما را می‌شکند و سکه اش گیر کس دیگر می‌آید که اشاره به آداب شب ۴شنبه سوری دارد. موسیقی عامه و فولکلور دنیایی است که متأسفانه تنها چند محقق روی این موسیقی‌ها کار می‌کنند و یا فال‌ها که ما در ایران انواع و اقسام فال‌ها را داریم و یا افسانه‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها و یا اشعار عامه که خود دنیایی است و ما تا به امروز نزدیک به ۵۰۰ گونه شعر عامه را در سرتاسر ایران شناسایی کرده‌ایم و امروزه نیز این شعرها هنوز رواج دارند.

بنظر بنده ۵ دلیل وجود دارد که ضرورت توجه به فرهنگ عامه اصفهان را ایجاد می‌کند مهم‌ترین و اولین آن وسعت و غنای این فرهنگ است بخش مهمی از فرهنگ و هنر و ادبیات و تاریخ ما در این منطقه به وجود آمده و آنچنان که شایسته بوده به فرهنگ عامه این منطقه پرداخته نشده است. در بررسی فرهنگ عامه سه نفر از بزرگان که فرهنگ عامه را در ایران رونق دادند از این خاک برخاستند مرحوم امیرقلی امینی، مرحوم جمال زاده و آقا جمال خوانساری در

دوره صفویه که در واقع ما ادبیات عامه را با اینها شروع می کنیم و در خود اصفهان نیز بزرگانی بوده اند که راجع به خود اصفهان کار کرده اند مانند محمد علی جناب و دیگران

یک وظیفه و ضرورت مهم این است که ما به کسانی که بتوانند به صورت راهنما گردشگری اطلاعات خوبی به گردشگران داخلی و خارجی اطلاعات خوبی ارائه دهند نیاز داریم که دوره هایی در نظر گرفته شود که در آن این فرهنگ را به خوبی به ایشان آموزش دهیم که بتوانند انتقال دهند.

در حوزه هنر و معماری بسیار کار شده است اما یک گردشگر تنها به هنر و معماری نیاز ندارد بلکه باید مسائل مربوط به فرهنگ عامه این منطقه را نیز بداند و نکته آخر اینکه نسبت به استان ها و شهرهای دیگر در اصفهان خیلی کم در زمینه فرهنگ عامه کار شده . در صد سال گذشته جناب محمد علی جناب بسیار در زمینه فرهنگ عامه کار کرده است اما در فاصله این صد سال ما شاهد کار خاصی در زمینه فرهنگ عامه نبوده ایم .

در تمام شهرها حتی شهرهای بسیار کوچک ما موزه اصفهان شناسی داریم اما متأسفانه در اصفهان موزه مردم شناسی وجود ندارد. موزه مردم شناسی یکی از ضرورت های فرهنگی برای اصفهان است .

نیاز به تاسیس یک پایگاه نقالی برای گردشگران به ویژه گردشگران خارجی است .

نمایش های فولکلور با همان گویش و زبان اصفهانی که این خود به حفظ لهجه اصفهانی کمک می کند و یا مثلاً انتشار کتاب های دو زبانه برای گردشگران که هم تصاویر زیبا داشته باشد هم اطلاعات دقیق و غنی داشته باشند برای مثال اتل ها و متل های اصفهانی، ضرب المثل های اصفهانی، اسطوره ها و داستان های اصفهانی، آیین ها و آداب و رسوم مردم اصفهان، باورها و عقاید مردم اصفهان ، اصفهان به روایت سفرنامه نویسان، گویش اصفهانی، بومی سرودهای اصفهانی، فرهنگ پیشه ها و مشاغل سنتی اصفهان، خوراک و پوشاک مردم اصفهان و برگزاری آیین های قدیمی همچون زنگ حیدری که مربوط به ماه محرم است ، آیین آتش افروزی ، شب اسفند، مراسم آب پاشان که اکثر گردشگران خارجی به برگزاری این مراسم در کتاب های خود اشاره کرده اند که برگزاری آن یا در تیرماه بوده یا در سه شنبه یا

چهارشنبه آخر صفر بوده است در مثنوی سعد همایون که عبدالرحیم سپاهانی آن را سروده که موضوع اصلی این کتاب جشن آب پاشان است اما در این کتاب می گوید ماجرا در شیراز اتفاق می افتاده . آیین گلاب گیری، آیین سقاخانی، آیین قالی شویی مشهد اردهال و بسیاری دیگر از آیین های که در خود اصفهان و اطراف آن اتفاق می افتد و این آیین ها باید شناسایی بشوند و در همایش هایی به همگان معرفی بشوند. مطالعه در گویش های استان اصفهان و چرا در دانشگاه اصفهان ما نباید رشته مطالعه در گویش های محلی استان اصفهان داشته باشیم؟ به لحاظ رده شناسی گویش های ایرانی گویش های این منطقه بسیار حائز اهمیت هستند.

مشاهیر و نامداران حوزه فرهنگ عامه مرحوم جمالزاده که بیشترین حوزه کاری ایشان همین فرهنگ عامه بود و بخصوص کاربرد این ها در تمام داستان هایش و بسیاری از اصطلاحاتی که جمع آوری کرده بخش مهمی از آن مربوط به اصفهان است و قبل از آن کتاب کثوم ننه به قلم مرحوم خوانساری که کتاب بسیار مهمی است، یک فقیهه در قرن ۱۱ کتابی در نقد باورهای عامه مردم به خصوص زنان می نویسد و به شیوه نقیضه گویی، این اثر بسیاری از باورهای رایج زمانه را ثبت کرده و امیرقلی امینی که هم در حوزه روزنامه نگاری و هم در حوزه فرهنگ عامه چندین کتاب دارد.

غذاهای سنتی اصفهان که به چند نمونه در اینجا اشاره می کنم و باید بدانیم که این غذاها این امکان را دارند که نمایشگاه دائمی و فصلی برای آنها برگزار کنیم.

فرهنگ پیشه ها نیز بسیار حائز اهمیت است زیرا شاید این آخرین نسل ها هستند که به این پیشه مشغولند و یا تغییر شغل داده اند یا بازنشسته شده اند و این ها باید ثبت و نگهداری بشوند برای مثال قهوه خانه ها که تنها محل نوشیدن چایی و قلیان کشیدن نبوده است برای مثال در قهوه خانه ها سخن وری اجرا می شده است و در ماه رمضان گروه هایی مناظره شعری می کرده اند و یا در قهوه خانه ها نقالی می شده است، در قهوه خانه ها نقد شعر می شده است. چارواداری نیز دارای فرهنگی بوده برای مثال فحش هایی که چاروادارها می داده اند آیا ارزش جمع آوری ندارد؟

همایش های بین المللی که اگر اجرا شود با همکاری نهاد های بین المللی برای مثال

کشورهای عضو اکو که دارای انجمن بین المللی فولکلور است که هر چند سال یک بار این انجمن فعال است و همایش هایی را برگزار می کند و ما نیز می توانیم پیشنهاد دهنده باشیم و چه جایی بهتر از اصفهان برای اینکار . خوشبختانه یکی از استادان ایرانی سرکار خانم دکتر باقری عضو این انجمن هستند . یا با کشورهای فارسی زبان منطقه می توانیم همایش های مشترک داشته باشیم ، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و یا کشورهای عضو آیسسکو که بیشتر کشورهای مسلمان هستند و در ایران دفتر دارند و همکاری های زیادی می توانند در این زمینه داشته باشند و نهایتاً تدوین دانش نامه اصفهان . این کاری است بنیادی برای اصفهان و در چندین جلد و چند زبانه حتی اینکار را به چاپ برسانیم .

سخنران دوم:

در ابتدا لازم می دانم صحبتی راجع به اهمیت بحث فرهنگ عامه در جامعه فعلی در قرن ۲۱ را بیان کنم . فولکلور بخشی از فرهنگ هر جامعه است فرهنگ تعریف های مختلفی دارد و بیشتر از ۸۰۰ تعریف از فرهنگ وجود دارد ولی به طور کلی اگر بخواهیم تعریفی از فرهنگ ارائه بدهیم که همه با آن اتفاق نظر دارند را باید بگوییم همه دستاوردهای بشری اعم از مادی و غیر مادی (که بخشی از آن معنوی است و بخشی معنوی نیست) که از نسل های گذشته به ما رسیده و ما با آموزش آنها را کسب کردیم و با آموزش به نسل بعد انتقال می دهیم می شود فرهنگ . فرهنگ خود دو بخش است بخشی فرهنگ رسمی است و بخشی فرهنگ غیر رسمی . در همه حوزه های فرهنگ شامل هنر، ادبیات، دین، پزشکی و ... در کنار حوزه رسمی حوزه غیر رسمی هم دارد برای مثال در ادبیات در کنار غزل های حافظ ما دو بیتی های شفاهی هم داریم در طب نیز اینچنین است و در کنار طب رسمی که پزشکان از قدیم داشته اند و طب سینایی طب رسمی ماست و طب غیر رسمی آن است که در خانه ها انجام می گرفته است . اکنون اگر کسی بخواهد جامعه ای را بشناسد باید هر دو جز این فرهنگ را بشناسد و این دو جز مثل دو بال یک پرنده هستند و باید بدانیم که یک پرنده با یک بال نمی تواند پرواز بکند . شما یک لحظه تصور بکنید که هیچ یک از اجزا فرهنگ غیر رسمی را در زندگی خود به کار نبرید این غیر ممکن است حتی تصور این امر نیز محال است .

شناخت هر فرهنگی نیز مستلزم شناخت هر دو جز این فرهنگ است و به همین علت است که بسیاری از این اروپاییان درمانده می شوند زیرا تنها یک بخش از فرهنگ را می شناسند و فرهنگ غیررسمی را نمی شناسند و یا حتی برخی از جامعه شناسان ما که فرهنگ غیررسمی را به عنوان فرهنگ عامه به آن نگاه می کنند و با کاربرد کلمه عامه معتقدیم که این فرهنگ عامیانه و به درد نخور است در مقابل فرهنگ فاخر و رسمی و این ها چون فرهنگ غیررسمی را نمی شناسند در پیش بینی های خود نیز دچار اشتباه می شوند. تنها در صورت شناخت هر دو جز فرهنگ هر جامعه ایست که می توان آن جامعه را به تحلیل نشست و بررسی کرد.

اهمیت فرهنگ عامه در برخی از کشورها حداقل به لحاظ کاربردی بیشتر است و یا حکومت ها برنامه ریزی بیشتری برای آن می کنند در کدام کشورها؟ در کشورهایی که تاریخ چندانی ندارند مثل برخی از کشورهای همسایه ما که تاریخ چندانی ندارند و اینها برای تاریخ سازی و فرهنگ سازی مجبورند به فولکلور روی بیاورند اما کشورهایی که سابقه تمدنی طولانی دارند از جمله ایران عزیز ما از جمله انگلیس از جمله چین، هند، مصر احتیاجی ندارند که سابقه خود را اثبات بکنند. بنده کمتر کشوری را دیده ام که سابقه تمدنی طولانی مدت داشته باشد و بخواهد برای فولکلور برنامه ریزی بکند و ما این وضعیت را در اصفهان شاهدش هستیم اصفهان گذشته ای بسیار قابل ستایش داشته. ما در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی یکی از دانشنامه هایی که تالیف می کنیم دانشنامه فرهنگ مردم ایران است، دانشنامه فولکلور ایران، و متاسفانه در هنگام نوشتن یک مدخل برای مثال عروسی، مدخل هایی را که می خواهیم بنویسیم از تمام نقاط ایران می توانیم مصداق و نمونه بیاوریم بجز از اصفهان، چرا؟ چون هیچ کتابی در این زمینه ندارند و ما در دایره المعارف عندالزوم باید به منابع کتبی ارجاع دهیم مگر در موارد خاص که چند نفر از اساتید صاحب نام در این زمینه اطلاع دارند به صوت شفاهی ایشان استناد می کنیم و در ماخذ درج می کنیم افاضات فلان استاد، مثل استاد مرحوم زریاب خویی که خود ایشان مرجع بودند اما به قطع می گویم در هیچ یک از ماخذ و مدخل های آداب و رسوم ما نمی توانیم نمونه از شهر اصفهان بیابیم و در ۵ جلد چاپ شده هیچ نمونه ای از اصفهان وجود ندارد و شاید دلیل آن عدم احساس ضرورت به جمع آوری و چاپ چنین منابعی است با توجه به پیشینه غنی تاریخی اصفهان.

اما ارتباط فولکلور و گردشگری، در سفری که به ترکیه داشتیم ما را به قهوه خانه کوچکی در آنکارا بردند که گفته می شد طی ۷ نسل گذشته این قهوه خانه تغییر کاربری نداده و جز مکان های سنتی آنکارا به شمار می آمد و در طول نیم ساعتی که ما در آن قهوه خانه بودیم نزدیک به صد نفر توریست برای بازدید از این قهوه خانه آمدند و یا در بخشی از سفر ما را به نزدیکی دریا بردند برای تماشای استخراج نمک طبیعی از دریا و این کار را بخشی از تکنولوژی سنتی خود معرفی کردند و از این طریق جذب گردشگری می کردند در اصفهان نیز ما از این دست نمونه ها بسیار زیاد داریم و باید روی آنها تمرکز کنیم .

یک نقال در آسیای میانه در بین تاجیکان است که حدود ۳۵۰ سال پیش زندگی می کرده به نام وارث بخارایی. این وارث بخارایی مانند مرحوم زریری در اصفهان است، وارث بخارایی در زمان شاه عباس دوم از بخارا به اصفهان می آید تا از تجارب قصه خوانان اصفهان استفاده بکند و از آنان بیاموزد. اصفهان جز مناطقی بوده که سبک ویژه نقالی خود را داشته و بعد از انتقال پایتخت به تهران و همزمان با انتقال نقالان اصفهانی به تهران سبک نقالی اصفهان نیز به تهران منتقل شد. سبک نقالی ویژه اصفهان سبکی بوده که با نمایش توام بوده است و این چرا نباید مورد توجه اهل فرهنگ اصفهان قرار بگیرد به عنوان یک پدیده فرهنگی خاص اصفهان که از اصفهان به تهران منتقل شده است. در صد سال اخیر نیز نقالان بزرگی در اصفهان وجود داشته است که استاد مرحوم همایی راجع به یکی از آنها میفرماید ای کاش مرحوم حاج مرشد عباس اصفهانی و نقالی او را در قهوه خانه نازرو خسرو آقا دیده بودید که از تعداد زیادی شنونده پیرو جوان به قول خودش در شب سهراب کشی یک دامن اشک و یک دامن زر می گرفت. یکی دیگر از این نقالان مرشد عباس زریری است، که اخیرا به همت یکی دیگر از دانشمندان این شهر استاد جلیل دوست خواه طومار آقای زریری چاپ شده است. طومار زریری مفصل ترین و مشروح ترین طومار شناخته شده در ایران و سایر کشورهای فارسی زبان تا به حال شناخته شده است.

مکان نقالی قهوه خانه ها بوده است، در اصفهان قهوه خانه های بسیاری بوده است در تذکره نصرآبادی بارها از چند قهوه خانه بسیار مشهور یاد می کند قهوه خانه جنب دارالشفای قیصریه که

متاسفانه اسم قهوه خانه در اینجا ذکر نشده است ولی به عنوان یکی از قهوه خانه های مشهور از آن یاد می کند. قهوه خانه بابا عرب ، قهوه خانه درویش دلاک ، قهوه خانه مومن این ها همان قهوه خانه هایی هستند که شاعران در آنجا جمع می شدند و شعر می خواندند ، نقد ادبی می کردند ، بحث می کردند و ... بارها در تذکره نصرآبادی به این موضوع اشاره شده است. در جایی در این تذکره می گوید: در قهوه خانه مومن فقیر (یعنی خودش) و یاران اکثر اوقات با ایشان صحبت می کردند مکرراً صحبت وی در قهوه خانه روی داده است ، در جایی دیگر راجع به شخصی سخن می رود که در ابتدا شاعر نبوده است : به صحبت فراوان یاران در قهوه خانه مومن ایشان موزون شد ، درباره یکی دیگر از شعرا می نویسد: در اواخر عمر به اصفهان آمد در قهوه خانه جنب دارالشفای قیصریه اصفهان با او ملاقات شد و صحبت ها شد.

تصویری که نصرآبادی از قهوه خانه های آن روز اصفهان (قرن ۱۱) می دهد یک تصویر بسیار زنده ، فعال است که علاوه بر نقالی فعالیت های ادبی نیز در این مکان ها شکل می گرفته است. در جایی دیگر در تذکره نصرآبادی می گوید که برای فلان شخص شاه عباس دستور برپایی قهوه خانه ای را در چهارباغ داده است. البته این بساط قهوه خانه ها تا همین اواخر نیز در اصفهان ادامه داشته است برای مثال قهوه خانه گلستان ، قهوه خانه حاج علی ، قهوه خانه حاج حسن ، عباس آقا ، حسین ناکسی ، علی گلدار و

و اما پیشنهاد بنده از طرف شهرداری و یا میراث فرهنگی یکی از این قهوه خانه ها خریداری بشود و بشکل سنتی خود بازسازی بشود و در این قهوه خانه هم شاهنامه خوانی ، هم پرده خوانی و هم نقالی اجرا شود. به نظر بنده این مهم از چند لحاظ حائز اهمیت است ، نخست آنکه تمام سفرنامه نویسان در درجه اول قصه خوانی مردم ایران مورد توجهشان بوده است نسبت به این موضوع حساس بوده اند و آن را در کتب و سفرنامه های خود ثبت کرده اند . دوم آنکه بحث کارآفرینی مطرح می شود و فواید جنبی آن آشنا شدن نسل های جوان با بخشی از فرهنگ این مملکت است.